



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۸/۲۲

عارف عباسی

بالاخره رئیس جمهور امریکا صدای مردم افغانستان را بلند کرد

رئیس جمهور امریکا امشب ۲۱ اگست ۲۰۱۷ بعد از انتظار طولانی نصب العین کشورش را در مورد افغانستان و جنوب آسیا توضیح نمود.

دونالد ترمپ گفت ملت خواهان یک طرحی است که در آن بعد از ۱۶ سال جنگ، قربانی جانی و مصارف هنگفت مالی یک دست آورد آبرومندانه و تأمین صلح پایدار شامل باشد.

عساکر امریکا برای پیروزی می جنگند، و تعریف روشنی از پیروزی داد که عبارت از حمله بر دشمن، محو دولت اسلامی "داعش" و از بین بردن القاعده، جلوگیری از تهاجمات طالبان غرض تصرف افغانستان و دفع حملات تروریستی بر امریکا. این ستراتیژی بر مبنای زمان نبوده بر بنیاد شرائط عینی ساحه توسط قوماندانان جبهه تدوین و تنظیم می گردد. تعداد عساکر و زمان خروج اعلام نمی شود.

در این نوشته متن کامل بیانیه را ترجمه نکرده به طول و تفصیل جزئیات نمی پردازم بلکه به نکات براننده سیاسی آن که تا حال برای من و هموطنان عزیزم مایه نگرانی، خون جگری و افسرده حالی و تعجب بوده و همواره سؤال «چرا» و «تا به کی» در اذهان همه خطور نموده، آرزوی دیرینه ما در این ستراتیژی برآورده می شود، به طور خلاصه توضیح می دهم:

اول - شخص اول مملکت امریکا «دونالد ترمپ» رئیس جمهور حمایت بلاقید و شرط خود را از مبارزه افغانستان با تروریسم و تقویت اردوی ملی افغانستان ابراز و افغانستان را دوست و هم سنگر امریکا خواند.

دوم - حاکمیت ملی افغانستان را به رسمیت شناخته و به اراده مردم برای تعیین سرنوشت سیاسی و نحوه نظام سازی اش مطابق مقتضیات اجتماعی و عنعنوی اش احترام گذاشته مداخله را برای دولت سازی متوقف می گرداند.

سوم - برای به پا ایستادن و متکی به خود شدن و گرفتن مسؤولیت برای امنیت و ثبات به دولت افغانستان به نحوی هوشدار می دهد که تعهدات و کمک های مالی امریکا لا محدود و ابدی نیست.

چهارم - امریکا مترادف با استعمال نیروی نظامی از تدابیر دیپلماتیک و سیاسی برای آوردن صلح استفاده می نماید. رئیس جمهور گفت که اگر عملیات نظامی به موفقیت انجامید و راه صلح باز گردید امکانات شمول بعضی از اعضای طالبان در حکومت مهیا خواهد شد.

پنجم - مهمترین متباز ترین و دلچسپ ترین نکته سیاسی (از نگاه نویسنده) اظهارات رئیس جمهور امریکا در مورد نقش پاکستان در فراهم آوری پناه گاه های مصون، تربیت، تسلیح و تمویل گروه های تروریستی است که علنی علیه منافع امریکا در ستیز اند و عامل اصلی بی ثباتی و نا امنی در افغانستان می باشند. در حالی که امریکا تا حال پاکستان را یک شریک ستراتیجیک خود دانسته به بلیون ها دالر به آن کمک نموده و در اوانل پاکستان با امریکا در تهاجمش به افغانستان همکاری نموده. بیش از این امریکا در برابر این روش پاکستان چشم پوشی نمی تواند. گرچه در مورد تدابیری که امریکا در صورت ادامه تخلف پاکستان اتخاذ خواهد نمود تذکری نرفت ولی همین اظهارات بی سابقه بوده تا حال در این مورد به چنین صراحت، شفافیت و قاطعیت از یک مرجع قدرت امریکا چنین موقفی گرفته نشده بود.

تا حال سیاسیون امریکا دست و پای نظامیان را بسته و اجازه نمی دادند در مورد پاکستان اقدام عملی و مؤثر نمایند. ولی طی مذاکرات و مجالس متعدد رئیس جمهور با قوماندانان مجرب جبهه ریشه اصلی ناکامی امریکا را با تمام قربانی ها و مصارف در این جنگ ۱۶ ساله دریافتند و به رئیس جمهور معلومات مستند ارائه نمودند

البته این موقف گیری امریکا در برابر پاکستان علاوه بر جنگ افغانستان پهلو های دیگر سیاسی همراه دارد که یکی روابط تنگاتنگ پاکستان با چین و فراهم آوری تسهیلات برای فعالیت های توسعه جویی نظامی و اقتصادی چین توسط پاکستان در منطقه و مخصوصاً بحر هند و کشاندن پای ایران و روسیه برای تقویت طالبان است.

ششم - امریکا علنی دوستی و مشارکت ستراتیجیک خود را با هندوستان نسبت به پاکستان رجحان داد و این خود ضربه بر پیکر سیاسی پاکستان است.

بهر حال برای من افغان دور از وطن که در این چهل سال در آتش بیچارگی و مصائبش سوخته ام و برای مردم بی نوا، بی صدا و اسیرش گریسته ام و نه به حیث متخصص رشته سیاسی بلکه به حیث یک جوینده و محقق همواره در نوشته هایم پیرامون جنگ، نا امنی و بی ثباتی در افغانستان و قتل هزاران هزار هموطن بی گناه این سؤال را مطرح کرده ام که: «چرا امریکا علی الرغم آگاهی کامل بر نقش پاکستان در بربادی افغانستان و قتل عساکر امریکا و متحدین و تداوم و توسعه جنگ و دغلی در راه مذاکرات صلح خاموش است و یک موقف قاطع مؤجز نمی گیرد» امروز با خوش بینی محتاطانه این آرزویم را بر آورده می بینم.

هفتم - سیاست دولت سازی و دموکراسی سازی را برای دیگران رئیس جمهور متوقف اعلام نمود.

پیش بینی عواقب تغییر سیاست امریکا در برابر پاکستان مشکل است ولی حدس و گمان دو امکان را برای پاکستان می بیند:

- ۱- تجدید نظر به سیاست تروریزم پروری و پناه دادن و دوام روابط حسنه با امریکا و مستفید شدن از کمک های مالی و نظامی، اخراج طالبان افغانی از خاک پاکستان و وادار ساختن شان به مذاکرات صلح. گرچه منحل ساختن گروه های تروریستی و دین گرایان افراطی که در فهرست تروریزم نزد امریکا موجود است بنابر دلائل منازعه کشمیر از توان حکومت ملکی پاکستان خارج است.

۲- عکس العمل خشن و شدت عمل با توسعه مزید روابط با چین و مطالبه کمک از ایران و روسیه برای طالبان که بالنتیجه جنگ را دوامدار ساخته و ستراتیژی ترمپ را به ناکامی مواجه خواهد ساخت.

